



# نقش انذار

## در پیشگیری از

### مفاسد فردی و اجتماعی

(از دیدگاه قرآن و حدیث)

مؤلف :

حجت الاسلام هادی اسلامی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: اسلامی، هادی، ۱۳۵۹ -  
عنوان و نام پدیدآور: نقش انذار در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی /  
مؤلف هادی اسلامی.  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۱۲-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۹ - ۲۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: قرآن -- انذار  
موضوع: Quran -- \*Enzar  
موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام)  
موضوع: Conduct of life -- \*Religious aspects -- Islam  
موضوع: وعده و وعید -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
موضوع: Admonition and promise -- Religious aspects -- Islam\*  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ن۷۵الف/ BP۲۵۸  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۰۳۱۲۸

نام کتاب: نقش انذار در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی  
مؤلف: هادی اسلامی  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۱۲-۹  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

## سپاس و تقدیر

سپاس خدای را که پیامبران را به همراه کتاب‌های آسمانی خویش به عنوان مبشرین و منذرین برای هدایت و سعادت انسان مبعوث نمود. حمد و سپاس خداوند را که به بنده حقیرش توفیق داد تا در زمینه نقش و جایگاه انداز در پیشگیری از مفسد فردی و اجتماعی این کتاب را بنویسم. این کتاب در سایه لطف حضرت حق و با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به سرانجام رسیده است. اینجانب بر خود وظیفه می‌دانم از اساتید ارجمند حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی غضنفری و حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر اسماعیل دارابکلانی به دلیل راهنمایی و زحماتشان تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های کاربردی معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی، که بزرگوارانه از این اثر حمایت نمودند و در رفع برخی اشکالات و ابهامات مرا یاری دادند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. امیدوارم این اثر بتواند مورد استفاده مبلغان و مروّجان دین اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام باشد.

به امید روزی که مبشر و منذر الهی یعنی وجود مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به امر الهی ظهور نماید و دنیا را پر از عدل و صلح و آرامش نماید.

پاییز ۱۳۹۵ / ربیع الاول ۱۴۳۸

هادی اسلامی



## چکیده:

در این کتاب سعی بر این شده است که نقش و جایگاه انذار به عنوان یکی از رسالت‌های انبیاء الهی و کتب آسمانی مورد بررسی و شناخت صحیح قرار بگیرد. چراکه معرفت بخشی نسبت به زشتی گناهان و مجازات الهی نقش بسیار زیادی در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی دارد. و بعد از اینکه انذار از منظر قرآن و حدیث مورد بررسی قرار گرفته است؛ ما به تبیین نقش و جایگاه انذار در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی پرداخته ایم تا با شناختن و شناساندن تأثیر انذار در اصلاح جامعه از طریق پیشگیری از مفاسد، سعادت دنیا و آخرت برای همه افراد جامعه حاصل شود. چراکه شناخت و بررسی عوامل بروز جرایم و مفاسد فردی و بخصوص اجتماعی و به کارگیری تدابیر پیشگیرانه می‌تواند حتی بعضاً ما را از اعمال روش‌های قهرآمیز نیز بی‌نیاز نماید.

با بررسی رابطه انذار و مفاسد فردی و اجتماعی در می‌یابیم که میان این دو رابطه‌ای مستقیم و انکار ناپذیری وجود دارد؛ و اگر مردم به عواقب اعمالشان چه خوب و چه بد آگاهی و تذکر داده نشوند بدون شک مفاسد فردی و اجتماعی افزایش چشمگیری خواهد داشت.

برای همین منظور ما چگونگی رابطه انذار با امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی، انسجام و وحدت جامعه اسلامی و غیره... را مورد بررسی قرار داده‌ایم.



---

## فهرست مطالب

---

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۴	تعریف و بیان مسأله
۱۵	اهمیت و ضرورت مسأله
۱۵	سؤالات اصلی و فرعی تحقیق
۱۵	فرضیه تحقیق
۱۶	پیشینه تحقیق
۲۰	روش تحقیق
۲۰	کاربردهای تحقیق

### فصل اول : مفاهیم و کلیات ( ۶۵ - ۲۱ )

۲۳	مفهوم شناسی واژگان کلیدی (انذار، تبشیر، تربیت، مفسده)
۳۴	ضرورت و اهمیت انذار
۳۴	بررسی نقش و جایگاه انذار
۳۸	انذار مهمترین رسالت پیامبران الهی
۴۰	ضرورت انذار برای پیشگیری از هلاکت و عذاب الهی
۴۲	ضرورت انذار در امر هدایت و اتمام حجت
۴۵	تثبیت ارزشها و ریشه کنی مفاسد فردی و اجتماعی

میزان انذار .....	۴۶
رعایت اعتدال در انذار .....	۴۶
مصادیق انذار .....	۴۹
۱. نهی از منکر .....	۴۹
۲. یادآوری معاد .....	۵۱
۳. مبارزه با ظلم .....	۵۳
۴. اجرای حدود الهی .....	۵۵
۵. خشم از بزهکاران و مجرمان .....	۵۷
۶. هشدار با آگاهی دادن .....	۵۸
۷. قیام بر ضد حاکمیت طاغوت (جهاد فی سبیل الله) .....	۵۹
رابطه انذار و مفاسد فردی و اجتماعی .....	۶۰
۱. رابطه انذار با امنیت اجتماعی .....	۶۲
۲. رابطه انذار با قراری عدالت اجتماعی .....	۶۲
۳. رابطه انذار با انسجام و وحدت جامعه .....	۶۳
۴. رابطه انذار با ضمانت اجرایی احکام .....	۶۴

### فصل دوم : انذار در قرآن و حدیث (۱۲۴ - ۶۷)

جایگاه انذار در قرآن کریم .....	۶۹
انذار کنندگان در قرآن کریم .....	۷۲
مراحل انذار پیامبر اسلام (ص) .....	۷۶
روش های انذار در قرآن و حدیث .....	۷۷
۱. انذار از طریق تذکر و آگاهی دادن .....	۸۰
۲. بیان آثار و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی .....	۸۱
۳. انذار از طریق یادآوری مرگ و حسابرسی روز قیامت .....	۸۲
۴. انذار با روش موعظه و نصیحت .....	۸۵



۵. انذار از طریق قصه و داستان گویی ..... ۸۹
۶. انذار از طریق فرستادن نامه: «روش استفاده از ارتباطات و ابزار ارتباطی» ... ۹۳
۷. انذار از طریق نرم خویی، مهرورزی و ملامت ..... ۹۵
۸. شخصیت دادن و توجه به کرامت انسان ..... ۹۸
۹. رعایت حقوق دیگران ..... ۹۹
۱۰. ریشه یابی و درمان بیماری ..... ۱۰۰
۱۱. بهره گیری از روش های غیر مستقیم ..... ۱۰۲
۱۲. عیبها را یکجا نگفتن: (اولویت بندی) ..... ۱۰۳
۱۳. تدریجی بودن انذار ..... ۱۰۴
۱۴. تکرار و تلقین کردن ..... ۱۰۴
۱۵. استفاده از هنر ..... ۱۰۵
۱۶. مؤاخذه و تنبیه ..... ۱۰۵
۱۷. برخورد تند ..... ۱۰۶
۱۸. عفو و تغافل، تنبیه و تشویق ..... ۱۰۷
- پیامدهای دنیایی و آخرتی انذار در قرآن و حدیث ..... ۱۰۹
- اهداف، نتایج و آثار انذار در قرآن و حدیث ..... ۱۱۳
۱. هدایت و راهیابی به حقیقت ..... ۱۱۳
۲. تقوا و دوری از گناه ..... ۱۱۴
۳. ایجاد خوف از آخرت و عذاب خداوند ..... ۱۱۶
۴. جلوگیری از پرورش و سلطه مجرمان ..... ۱۱۹
۵. پیش گیری از رواج ناهنجاری ها در جامعه ..... ۱۲۰
۶. زمینه سازی رواج هنجارها و دعوت به نیکی ها ..... ۱۲۰
۷. اتمام حجت ..... ۱۲۳

## فصل سوم : نقش انذار در پیشگیری از مفسد فردی ( ۱۶۴ - ۱۲۵ )

۱۲۷	..... مقدمه
۱۲۹	..... ۱. ایجاد خشوع و خضوع در برابر حق
۱۳۴	..... ۲. ترس از کیفر الهی
۱۳۵	..... ۳. انذار برای نجات از غفلت
۱۳۸	..... ۴. انذار برای عاقبت اندیشی
۱۴۱	..... هشدارهای اعتقادی
۱۴۱	..... ۱. کفر
۱۴۳	..... ۲. شرک
۱۴۵	..... ۳. نفاق
۱۴۶	..... ۴. دروغ پنداشتن آیه ها و نشانه های الهی
۱۴۷	..... ۵. ناامیدی از رحمت خدا
۱۴۸	..... ۶. کفر نسبت به بعضی آیه ها و ایمان به برخی دیگر
۱۴۹	..... ۷. زیاده روی و غلو در دین
۱۵۱	..... هشدارهای اخلاقی
۱۵۱	..... ۱. تکبر
۱۵۳	..... ۲. بخل
۱۵۵	..... ۳. حسد
۱۵۶	..... ۴. تهمت
۱۵۷	..... ۵. دروغ
۱۵۸	..... ۶. غیبت
۱۶۰	..... ۷. زنا
۱۶۲	..... ۸. شراب خواری
۱۶۳	..... ۹. هشدار از دل بستگی به دنیا

فصل چهارم : نقش انذار در پیشگیری از مفسد اجتماعی (۲۳۰-۱۶۵)	
مقدمه	۱۶۷
۱. ایجاد امنیت اجتماعی	۱۶۹
الف. دستور جهاد برای دفاع و ایجاد امنیت	۱۷۱
ب. فرمان مبارزه با عوامل ایجاد فساد و ناامنی در جامعه	۱۷۲
ج. در امان بودن از عذاب الهی	۱۷۴
۲. برقراری عدالت اجتماعی	۱۷۵
۳. پایداری و بقای جامعه اسلامی	۱۷۸
تلاش و کوشش برای حفظ جامعه اسلامی	۱۸۱
هشدار از تنبلی و بی حوصله گی افراد در جامعه اسلامی	۱۸۲
۴. انسجام و وحدت جامعه اسلامی	۱۸۴
۵. بهبود وضعیت اقتصادی	۱۹۱
۶. نظارت عمومی مردم	۱۹۳
هشدارهای اخلاقی قرآن برای پیشگیری از مفسد اجتماعی	۱۹۸
هشدارهای اقتصادی قرآن برای پیشگیری از مفسد اجتماعی	۲۰۶
هشدارهای سیاسی قرآن برای پیشگیری از مفسد اجتماعی	۲۱۳
نتیجه گیری	۲۲۶
فهرست منابع و مآخذ	۲۳۱



## مقدمه

انسان به عنوان موجودی که دارای عقل و قدرت و اختیار است و خداوند متعال نیز در او میل به خوبی‌ها و میل به بدی‌ها را قرار داده است، در طول زندگی خویش همواره بر سر دو راهی انتخاب خیر و شر است. در این میان این تعلیم و تربیت انسان است که نقش اساسی در سعادت فرد و جامعه خواهد داشت. پیامبران الهی با یادآوری قیامت به عنوان یک میعادگاهی که انسان باید پاسخ گوی اعمال خویش باشد دو وظیفه عمده داشته‌اند که عبارت است از تبشیر یعنی بشارت دادن به پاداش برای اعمال نیک و انذار یعنی بیم دادن از عذاب برای اعمال بد است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»<sup>۱</sup> لذا وقتی ما در این باره به قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع علوم اسلامی که برای هدایت و تربیت انسان نازل شده است مراجعه کنیم خواهیم دید که قرآن کریم تأکید بسیاری بر تبشیر و بخصوص انذار دارد.

از جهت تأثیرگذاری انذار نسبت به تبشیر سهم بیشتری در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی دارد و ما در این کتاب با طرح این سوال اصلی که انذار چه نقشی در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی دارد؟ سعی بر این داریم تا ببینیم چه رابطه‌ی معنا داری بین انذار و مفاسد وجود دارد و اینکه چه آثار فردی و اجتماعی بر انذار مترتب است.

---

۱ انعام: ۴۸

و اما تحقیقاتی که تا به حال در این زمینه صورت گرفته است مستقلاً به انذار پرداخته نشده است و به دلیل اینکه به تبشیر و انذار باهم پرداخته شده است حق مطلب درباره نقش و جایگاه انذار به درستی ادا نشده است. بنابراین انگیزه و هدف ما از این تحقیق تبیین نقش و جایگاه انذار به عنوان یک عامل بازدارنده و پیشگیری کننده از مفاسد فردی و اجتماعی است.

این تحقیق در چهار فصل تنظیم شده است، در فصل اول به مفاهیم و کلیات و نقش انذار می‌پردازیم و در فصل دوم نیز به تبیین ماهیت و چگونگی انذار خواهیم پرداخت (به بررسی انذار به عنوان یکی از ابزارهای تربیت در قرآن و حدیث پرداخته و سپس به آثار تربیتی آن در فرد و اجتماع می‌پردازیم) و در فصل سوم به نقش و جایگاه انذار از این نظر که چه تأثیری در پیشگیری از مفاسد فردی دارد و در فصل چهارم به اینکه انذار چه تأثیری در پیشگیری از مفاسد اجتماعی دارد خواهیم پرداخت.

برای تحقق این امر سعی بر این شده است که از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بهره کافی گرفته شود.

باشد که به یاری خدای متعال، از این طریق گامی در راه سعادت خود و دیگران برداریم.

## تعریف و بیان مسأله

این تحقیق بر آن است تا به بررسی نقش و جایگاه انذار و تأثیر آن در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی بپردازد. انذار نقش مهمی در تربیت انسان ایفا می‌کند که بخشی از آثار آن در فرد و بخش مهمی از آن در اجتماع ظاهر می‌شود؛ نگارنده بر آن است تا بیان کند چه رابطه‌ای بین انذار به عنوان یک ابزار تربیتی و مفاسد فردی و اجتماعی وجود دارد، اگر این رابطه معنی دار می‌باشد میزان تأثیر پذیری افراد جامعه از انذار به چه عواملی بستگی دارد؛ طبعاً قلمرو این بحث در بیان ابزارهای تربیت و آثار تربیتی انذار و بررسی رابطه انذار با مفاسد فردی و اجتماعی خواهد بود.

## اهمیت و ضرورت مسأله

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار علیهم السّلام هر دو مبشّر و منذر هستند. اهمیت انذار به علّت تأثیرگذاری بیشتر و عمیق آن در تربیت نفوس بر کسی پوشیده نیست؛ اما ضرورت این تحقیق در این است که از آن جایی که دامنه ی تبشیر بسیار گسترده است اما متأسفانه نقش و جایگاه انذار و تأثیرات آن مورد غفلت قرار گرفته شده است، و در نتیجه بسیاری از افراد اوامر و نواهی الهی را جدی نمی‌گیرند و به سادگی و با بی‌اعتنایی از آن سرپیچی می‌کنند؛ در حالی که اگر نقش و جایگاه انذار به درستی تبیین شود و پیامدهای بی‌توجهی به آن در دنیا و آخرت مطرح شود تأثیر بسیاری در پیشگیری از مفساد فردی و اجتماعی خواهد داشت و از برکات آن مانند عدالت و امنیت اجتماعی همگی بهره مند خواهیم شد.

## سؤالات اصلی و فرعی تحقیق

سؤال اصلی: انذار چه نقشی در پیشگیری از مفساد فردی و اجتماعی دارد؟

سؤالات فرعی:

پیش زمینه‌های لازم برای تأثیر گذاری انذار کدامند؟

چه آثار فردی و اجتماعی بر انذار مترتب است؟

چه رابطه ای بین انذار و مفساد وجود دارد؟

## فرضیه تحقیق

انذار تأثیر معنی داری در پیشگیری از مفساد فردی و اجتماعی دارد.

## پیشینه تحقیق

انذار به عنوان یکی از مهم ترین موضوع های مطرح شده در قرآن کریم است و همه عالمان اسلام<sup>۱</sup> به ویژه مفسران، همواره به آن توجه داشتند و در کتاب های تفسیر پیشینیان، ذیل آیه های هشداردهنده قرآن توضیحاتی آمده است. در تفسیرهای جامعی مانند التبیان فی تفسیر القرآن از شیخ طوسی و مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نوشته فضل بن حسن طبرسی یا تفسیرهای جدیدتری مانند المیزان فی تفسیر القرآن، اثر گران بهای علامه، محمدحسین طباطبایی (ره) و تفسیر الحدیث از محمد عزه دروزه و تفسیر نمونه، نگاشته آیت الله مکارم شیرازی، با توجه به هر یک از آیه های هشداردهنده، هشدارهای الهی طرح و بررسی شده است. با بررسی آثار نگاشته شده در این موضوع، درمی یابیم با توجه به عنوان تألیف ها و به کار رفتن یا نرفتن واژه هشدار یا تحذیر در عنوان آنها، بیشتر مطالب این کتاب ها درباره منهیات قرآنی و رذیلت های اخلاقی مطرح شده در قرآن است. به بیان دیگر، در این گونه آثار، با عنوان های گوناگون و غیر از عنوان هشدار و تحذیر، برخی از هشدارهای قرآنی بررسی شده است که تعدادی از آنها از این قرارند:

الف) جعفر شعار در کتاب اخلاق از نظر قرآن، امور نهی شده و هشدارهای قرآنی را به همراه دستوره های قرآن به ترتیب حروف الفبا گرد آورده است. در این کتاب که در سال ۱۳۴۴ خورشیدی نوشته شده، تقسیم بندی مشخصی وجود ندارد و تنها، آیه های هشداردهنده با دیگر آیه های اخلاقی قرآن آمده است.<sup>۲</sup>

۱ غزالی در بخشی از کتاب احیاء علوم الدین به شرح مهلکات اخلاقی پرداخته و از آیه های هشدار دهنده قرآن نیز استفاده کرده است. فیض کاشانی نیز در محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، پیش از طرح کردن هر یک از رذیلت های اخلاقی، آیه های هشدار دهنده در آن باب را نیز می آورد. در دیگر کتاب های اخلاقی نیز کم و بیش تعدادی از آیه های هشدار دهنده قرآن آورده شده است. نک: محمدغزالی، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۰ ه.ق، ج ۳ و ۴؛ «محمد بن مرتضی، فیض کاشانی، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ج ۵ و ۶؛ محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه.ق، چ ۶، ج ۱ و ۲ و ۳؛ احمد نراقی، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۵۵۲-۱۷۰.

۲ جعفر شعار، اخلاق از نظر قرآن، ناشر جعفر شعار، ۱۳۶۴، چ ۴.



ب) ابوطالب تجلیل تبریزی در کتاب ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن، که در سال ۱۳۶۶ خورشیدی چاپ شد،<sup>۱</sup> امور نهی شده و هشدارهای قرآنی را با عنوان ضد ارزش‌ها در قرآن، بدون دسته‌بندی مشخصی نگاشته و برشمرده است. نویسنده در این کتاب، تنها به آوردن آیه و معنا و مفهوم آن با توجه به ضد ارزش‌های قرآنی بسنده کرده است.

ج) جمال الدین عبدالناصر مصری در اثری با نام النهی فی القرآن الکریم، امور نهی شده قرآنی را در هفت فصل تنظیم کرده است. نویسنده در این کتاب، درباره آیه‌های هشداردهنده، توضیح و تفسیر اندکی آورده و در برخی موارد که موضوع به فقه مربوط می‌شده، دیدگاه فقیهان نیز آورده شده است. این کتاب نیز در باب امور نهی شده و هشدارهای قرآنی، کامل و جامع نیست و برای نخستین بار در سال ۱۴۲۰ ه.ق منتشر شده است.<sup>۲</sup>

د) آیت الله ناصر مکارم شیرازی در مجموعه ای سه جلدی به نام اخلاق در قرآن، پس از اینکه در جلد نخست به کلیات مباحث اخلاقی پرداخته است، در جلد دوم پس از ذکر فضیلت‌های اخلاقی، به بعضی از رذیلت‌های اخلاقی و آیه‌های هشداردهنده قرآن در این زمینه نیز اشاره می‌کند. از ویژگی‌های این کتاب، آن است که تنها به ذکر آیه‌ها بسنده نکرده، بلکه با توضیح و تفسیر مفصل، آیه‌ها را بررسی کرده است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۰ چاپ شد.<sup>۳</sup>

ه) کتاب هشدارهای قرآنی نوشته علی امامی نیز درباره همان موضوع است. نویسنده در این کتاب ۹۶ صفحه ای رقیعی، بدون هیچ مقدمه ای هشدارها را در صد عنوان دسته‌بندی کرده و ذیل هر عنوان، نخست آیه قرآنی مربوطه را به همراه ترجمه آن آورده، آن‌گاه به تفسیر بسیار کوتاهی از آن بسنده کرده است. بیشتر از تفسیر نمونه استفاده کرده، ولی در ارجاع‌های کتاب خود، تنها، شماره جلد تفسیر نمونه را آورده و در هیچ جا شماره

۱ ابوطالب تجلیل تبریزی، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.

۲ جمال الدین عبدالناصر، النهی فی القرآن الکریم، دمشق، دارالقلم العربی، ۱۴۲۰ ه.ق، ج ۱.

۳ آیت الله ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۰، ج ۱.

صفحه را نیاورده است.

در این کتاب، معیار استخراج هشدارها مشخص نیست و عنوان هایی مانند «قرآن، کتاب پند و اندرز»،<sup>۱</sup> «نعمت های غیبی الهی»<sup>۲</sup> و «ذکر خدا را با دل و زبان بسیار کنید»<sup>۳</sup>، به عنوان هشدار معرفی شده است که به نظر می رسد این مطالب نمی تواند به عنوان هشدار مطرح باشد. نویسنده برای استخراج عنوان ها، به ترتیب سوره های قرآن پیش رفته؛ یعنی ابتدا از سوره بقره شروع کرده، سپس آل عمران تا سوره انفطار را بررسی کرده است. البته جای تعجب است که از سوره های بزرگی مانند انعام و اعراف، هیچ آیه هشدار دهنده ای استخراج نکرده است. این اثر، در سال ۱۳۸۰ برای نخستین بار به چاپ رسید و در مجموع، اثری پژوهشی در این زمینه به شمار نمی آید.

و) جمشید کاووسی در کتاب ۱۷۲ صفحه ای خود با عنوان هشدارها در قرآن، به برخی از هشدارهای قرآنی اشاره کرده است.<sup>۴</sup> نویسنده، در مقدمه کتاب، اثر خود را مجموعه ای می داند که با روشی جدید، آیه های الهی را به نوجوانان و جوانان معرفی می کند. وی در این اثر، با استفاده از حدود هزار و سیصد آیه و با توجه به آمدن لفظی خاص در آیه ها، آنها را در فصل های گوناگون جای داده است. برای نمونه، هر کدام از آیه هایی را که در آنها «ان»، «لم»، «اتَّقُوا» و «من» به کار رفته، در فصل جداگانه آورده است. این اثر، تنها نوعی ترجمه از برخی آیه هاست که در فصل بندی جدیدی ارائه شده است. البته این فصل بندی، منسجم نیست و تقسیم بندی نشده است. در این کتاب، بسیاری از عنوان های فصل ها، به گونه ای نیست که بتوان از آنها هشدار را فهمید. برای نمونه، عنوان هایی مانند «آدمی»، «شیطان»، «خداوند»، «ما»، «من»، «تو» و «این»، از این قبیل اند و آیه هایی نیز که ذیل این عنوان ها آمده، جنبه هشدار دهنده ندارند.

۱ علی امامی، هشدارهای قرآنی، قم، پرهیزکار، ۱۳۸۰، ص ۵۸.

۲ همان، ص ۶۶.

۳ همان، ص ۶۷.

۴ جمشید کاووسی، هشدارها در قرآن، شیراز، نوید، ۱۳۷۹، چ ۱.

این کتاب، در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده و در مجموع، کتابی جامع و رضایت‌بخش در این موضوع نیست.

ی) هشدارها و تحذیرهای قرآنی نوشته حمید رضا حبیب‌اللهی ۱۳۵۹، نیز یکی از بهترین آثاری است که در زمینه‌ی انذار و هشدارهای قرآنی در چهار فصل نوشته شده است. که شامل هشدارهای فردی و اجتماعی در ابعاد گوناگون آن مانند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی می‌باشد، و تهیه‌کننده آن مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما می‌باشد.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که ما در انتهای فصل سوم و فصل چهارم در قسمت هشدارهای قرآنی از آن بهره گرفته ایم.

و اما آنچه ما را بر آن داشت تا این کتاب را به نگارش درآوریم، این بود که با توجه به اینکه تبشیر و انذار در قرآن کریم به عنوان دو ابزار مهم تربیتی و بازدارنده از مفاسد مطرح شده است و در بسیاری از موارد باهم و در کنار هم به کار گرفته شده است و هیچ کدام از این دو عامل به تنهایی مورد تحقیق و عرضه قرار نگرفته است. به دلیل اینکه انذار از جهت میزان تأثیرگذاری به مراتب قوی تر و مؤثر تر از تبشیر است شایسته است که بطور ویژه مورد تحقیق و پژوهش عالمانه قرار گیرد و نقش و جایگاه آن و از جمله اهداف و نتایج آن شناخته شود. و برای این منظور به تبیین نقش و جایگاه انذار در قرآن و حدیث پرداخته و سپس بطور خاص به نقش پیشگیری انذار از مفاسد و فردی و اجتماعی پرداخته ایم. بنابراین امتیاز این پژوهش در این است که بطور خاص به مسأله انذار پرداخته است. و سعی ما در این کتاب براین بوده است که نقش و جایگاه انذار را در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم. که انذار چه تأثیراتی می‌تواند در اصلاح شخص و جامعه داشته باشد.

۱ حبیب‌اللهی، حمیدرضا، ۱۳۵۹ - هشدارها و تحذیرهای قرآنی / مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ناشر: دفتر عقل چاپ: زلال کوثر نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷

## روش تحقیق

روش این تحقیق کتابخانه ای و با بهره برداری از آثار مکتوب می باشد. بی شک نقش اول را در منابع هر موضوع قرآن و سپس حدیث ایفاء می نماید.

## کاربردهای تحقیق

۱. حوزه های علمیه و دانشگاه ها ۲. سازمان تبلیغات اسلامی ۳. مساجد و کانون های فرهنگی ۴. مدارس آموزش و پرورش ۵. مؤسسه های علمی و فرهنگی.

# فصل اول

## مفاهیم و کلیات



## مفهوم شناسی واژگان کلیدی: تبشیر، انذار، تربیت، مفسده

«تبشیر» و «انذار» یکی از روش‌های تربیتی همه انبیاء الهی بوده است. از همین رو انبیای الهی «مبشّر» و «منذر» نامیده شده اند: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»<sup>۱</sup> پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت. «تبشیر» و «انذار» همان چیزی است که در عرف جاری از آن به «تشویق» و «تهدید» تعبیر می‌کنیم. انذار به معنای هشدار دادن و متوجه ساختن فرد به عواقب و نتایج سوء کارها است و در آن نوعی ترساندن نیز هست. تبشیر یا ترغیب به معنای آگاه کردن فرد از نتایج مطلوب و خوب کارها است که موجب سرور و شادمانی است. انسان به‌طور فطری رغبت به لذت و نعمت دارد و از درد و الم دوری می‌کند. قرآن کریم و پیامبران الهی از این ابزار، فراوان استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که قرآن، همه انبیا را «مبشّرین و منذرین» می‌خواند<sup>۲</sup> و خود را هم «نذیر»<sup>۳</sup> و «بشری»<sup>۴</sup> می‌نامد. انذار و تبشیر در قرآن همراه با برانگیختن عواطف انسانی است که از یک سو خوف،<sup>۵</sup>

---

۱ سوره بقره، آیه ۲۱۳

۲ سوره انعام، آیه ۴۸

۳ سوره مدثر، آیه ۳۶

۴ سوره بقره، آیه ۹۷

۵ و لمن خاف مقام ربّه جنتان. (سوره الرحمن، آیه ۴۶)

خشیت<sup>۱</sup> و خشوع<sup>۲</sup> نسبت به خداوند را در مخاطبان برمی‌انگیزد و از سوی دیگر محبت<sup>۳</sup>، شوق و امید<sup>۴</sup> را در دل آنان می‌پروراند. مهم‌تر آنکه بین این دو دسته عواطف، موازنه‌ای ایجاد می‌کند که نه موجب یأس شود و نه غرور و بی‌خیالی. در روایات نیز تأکید شده که مبلّغ باید مخاطبان را در حالتی میان خوف و رجا نگه دارد.<sup>۵</sup>

### بررسی مفهوم انذار :

۱. کتاب «معجم مفردات الالفاظ القرآن» آن را چنین معنا نموده است: «وَالْإِنذَارُ: إخبارٌ فيه تخويف، كما أن التبشير إخبار فيه سرور»؛ كما قال الله تعالى: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا».<sup>۶</sup> انذار به معنی آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌دهد و مایه زجر و عذاب او خواهد بود، همچنان که تبشیر، آگاهاندنی است که در آن مسرت و شادمانی است. ای رسول خدا! ما تو را فرستاده‌ایم تا شاهد بر رفتار مردم و بشارت دهنده و بیم‌رسان باشی.<sup>۷</sup>

۲. «خلیل بن احمد» نخست «نذر» را تعریف کرده و می‌گوید: «نذر» چیزی است که انسان بر خودش واجب می‌کند؛ او در ادامه می‌گوید: «تناذر» عبارت است از اینکه بعضی از افراد، بعضی دیگر را انذار کنند.

۳. «ابن فارس» می‌گوید: این واژه تک معنایی است و بر تخويف (ترساندن) دلالت دارد و از همین ماده واژه «انذار» گرفته شده که به معنای ابلاغ است، ابلاغ، تنها در ترساندن است.

۱ اَتَمَّا أَنْتَ مَنْذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا. (سوره نازعات، آیه ۴۵)

۲ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ. (سوره حدید، آیه ۱۶)

۳ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ. (سوره بقره، آیه ۱۶۵)

۴ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... أَوْلَتْكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ. (سوره بقره، آیه ۲۱۸)

۵ خَيْرُ الْأَعْمَالِ اعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ. (غررالحکم، فصل ۴، ص ۱۵۶)

۶ الْأَحْزَابُ: ۴۵

۷ الْمَفْرَدَاتُ فِي غَرِيبِ الْقُرْآنِ، ص: ۷۹۸



۴. «راغب اصفهانی» نیز نخست «نذر» را به معنای «ترساندن» گرفته و در ادامه می‌گوید: انذار، اخباری است که در آن تخویف (ترساندن) وجود دارد.

۵. «ابن منظور» می‌گوید: «نذر» آن چیزی است که انسان بر خودش واجب کرده و «انذار» عبارت است از ترساندن و بر حذر داشتن، و به معنای «ابلاغ» نیز هست.

در مورد ماده «نذر» دو واژه وجود دارد: یکی «نذر»، یعنی: «واجب کردن چیزی بر خود که بر انسان واجب نیست»، دیگری «انذار» که به معنای «ترساندن و ابلاغ کردن» است؛ ولی با مقایسه دو واژه «تخویف» و «انذار» به این نتیجه می‌رسیم که انذار به معنای هشدار است (هشدار که ترساندن هم در آن وجود دارد)؛ از این رو، در میان اقوال ذکر شده، سخن «راغب» کامل‌تر است.<sup>۱</sup>

کلمه انذار را معمولاً به «بیم دادن» ترجمه می‌کنند ولی این معنی کاملاً رسا نیست. زیرا بیم دادن ترجمه تخویف است. مثلاً اگر کسی در محلی عبور می‌کند؛ شخصی ناگهان در جلوی پایش ترقه‌ای به زمین بزند، او می‌ترسد؛ این را تخویف می‌گویند ولی انذار نیست. انذار اعلام خطر است یعنی اگر آینده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشته باشد؛ اگر شما از حال به او خبر دهید و او را بترسانید، این نوع خاص از ترساندن را انذار گویند. به نظر می‌رسد که واژه هشدار که امروز در فارسی معمول شده است با این مفهوم نزدیک‌تر است.<sup>۲</sup>

### کلمه "نذر" در اصطلاح قرآن کریم به دو معنی به کار رفته است :

۱. نَذْر: نذر آنست که چیز غیر واجب را بر خویش واجب گردانی. در لغت آمده: «نذر نذرا: أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ مَا لَيْسَ بِوَاجِبٍ» نذر معلق بشرط آنست که گوید: اگر از این مرض صحت یافتم پنج روز برای خدا روزه خواهم گرفت و اگر معلق نباشد آنرا نذر تبرّعی گویند مثل «لِلَّهِ عَلَىٰ أَنْ أَصُومَ غَدًا». برای خداست بر عهده من اینکه فردا روزه بگیرم.

۱ درسنامه مفردات قرآن مجید / ۱۸۶ / ۶. حسن مصطفوی: ص ۱۸۶

۲ پیامبران هشدار دهنده هستند. مرتضی مطهری- آشنایی با قرآن جلد ۱ و ۲- صفحه ۱۴۱

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ۱.

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۲.

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا ۳.

و بعضی نذر را وعده مشروط گفته‌اند: «النَّذْرُ مَا كَانَ وَعْدًا عَلَى شَرْطٍ» ۴.

۲. نذر: دانستن و حذر کردن.

در قاموس گوید: «نذر بالشیء: علمه فحذره» انذار بمعنی اعلام است با تخویف «انذره بالامر انذارا: أعلمه و حذره و خوفه». ناگفته نماند: ما بین نذر بمعنی فوق و نذر بمعنی نذر کردن که پیش از این گفته شد فرقی پیدا نکردیم مگر آنکه فعل این از باب علم يعلم و فعل آن از باب ضرب یضرب و نصر ینصر آید. و اذکرُ اُخا عادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ ۵. برادر عاد (هود عليه السلام) را یاد کن که قوم خویش را در سرزمین احقاف انذار کرد و ترساند که اگر براه خدا نیایند عذاب خداوندی در دنیا و آخرت در کمین آنهاست لذا گفته‌اند: انذار تخویف است از مخوفی که زمان آن وسیع است تا از آن احتراز شود و اگر زمانش وسیع نباشد آنرا اشعار گویند ۶.

نُذِرُ: (بضم اوّل و دوّم) مصدر است بمعنی انذار مثل: فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي ۷. چطور بود عذاب من و انذار من در اقرب الموارد تصریح کرده که آن مصدر غیر قیاسی است و در مجمع آنرا اسم مصدر گفته که در مقام مصدر واقع شود. ولی بیشتر جمع نذیر آید.

۱ بقره: ۲۷۰.

۲ انسان: ۷.

۳ آل عمران: ۳۵.

۴ قاموس قرآن، ج ۷، ص: ۴۲.

۵ احقاف: ۲۱.

۶ قاموس قرآن، ج ۷، ص: ۴۲.

۷ قمر: ۱۸.

مثل: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ.<sup>۱</sup> قوم ثمود انذار کنندگان را تکذیب کردند؛ هذا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى.<sup>۲</sup> در قرآن انذار به معنای اطلاع رسانی بیم آور است. این واژه و مشتقات آن بیش از ۱۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است،<sup>۳</sup> و در آن‌ها ضمن بیان این مطلب که منذر حقیقی خداست و از این رو یکی از اسمای الهی منذر است<sup>۴</sup> و پیامبران به ویژه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، اهداف، موارد، شیوه، مخاطبان و واکنش آن‌ها در مورد انذار سخن به میان آمده است.

گفتنی است که افزون بر موارد کاربرد انذار و مشتقات آن، بخش‌های فراوانی از قرآن بدون به کارگیری این واژگان عملاً به انذار پرداخته است، زیرا در آن‌ها از عذاب، دشواری مرگ، برزخ، جهان آخرت، حسابرسی، جهنم و عذاب الهی به صورت اعلام، اخبار، تهدید، وعید و تحذیر یاد شده است. واژه‌های «انذار»، «منذر» و «نذیر» که از ویژگی‌های پیامبر (صلی الله علیه وآله) است، از همین ماده گرفته شده و معنای اصلی آن‌ها، هشدارگری است.

### مفهوم تبشیر :

تبشیر و انذار به عنوان دو رسالت بزرگ انبیاء الهی مطرح است و از آنجایی که تبشیر و انذار در بیشتر موارد در کنار هم مطرح می‌شوند، و در امر تربیت هر یک مکمل دیگری است، لازم است که ما مفهوم تبشیر را نیز مورد بررسی قرار داده و بشناسیم چراکه این دو از جهت معنایی در مقابل یکدیگراند. بنابراین تبشیر را ابتدا در لغت و سپس در اصطلاح بررسی می‌کنیم.

۱. تبشیر در لغت به معنی «التَّبشیر إخبار فیه سرور» خبر دادن و اعلامی که در آن

۱ قمر: ۲۳.

۲ نجم: ۵۶.

۳ المعجم الاحصائی، ج ۳، ص ۱۵۴۲

۴ بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۸۷

مسرت و شادمانی است، می‌باشد.<sup>۱</sup>

۲. لَمَّا كَانَ الْبَشْرُ فَعَلًا مَطْلُوبًا يُوْجِبُ الْاِنْبِسَاطَ وَ الْفَرْحَ وَ الطَّلَاقَةَ: فَقَدْ عَبَّرَ عَنْهُ بِصِيغَةِ التَّبَشِيرِ، وَ هَذَا بِخِلَافِ الْاِنْذَارِ وَ هُوَ تَخْوِيفُ الْعِبَادِ، فَعَبَّرَ عَنْهُ بِصِيغَةِ الْاِنْذَارِ. رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ. وَ فِي هَذَا كَمَالٌ لَطْفٍ مِنْهُ تَعَالَى.<sup>۲</sup>

۳. الْبِشَارَةُ الْمَطْلُوقَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْخَيْرِ، وَ إِنَّمَا تَكُونُ بِالشَّرِّ إِذَا كَانَتْ مَقِيدَةً كَقَوْلِهِ تَعَالَى: فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ قَالَ ابْنُ سَيِّدَةَ: وَ التَّبَشِيرُ يَكُونُ بِالْخَيْرِ وَ الشَّرِّ كَقَوْلِهِ تَعَالَى: فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.<sup>۳</sup> بَشَارَتُ خَيْرٍ دَادَنَ اسْتِ، مَغْرٍ اَيْنَكِه مَقِيدَ بِه عَذَابٍ شُوْد. ابْنِ مَنْظُورٍ اَز قَوْلِ ابْنِ سَيِّدِهِ مِي نُويسَد: «وَ تَبَشِيرٌ هُمُ بِه خَيْرٍ اسْتِ وَ هُمُ بِه شَرِّ. چنان که حق تعالی می‌فرماید: آنان را از عذابی دردناک خبر ده.»

۴. بَشَارَتُ وَ بَشْرِي بِمَعْنَى خَبْرِ مَسْرَتٍ بَخْشِ اسْتِ طَبْرَسِي وَ رَاغِبٌ دَر وَجِهِ اَن مِي گُوينَد: چُون كَسِي خَبْرِ مَسْرَتِ بَخْشِ رَا بَشْنُوْد اَثْرِ اَن دَر پُوْسْتِ صُوْرْتَشِ اَشْكَارِ مِي گَرْدَد. «وَ مَا جَعَلَهُ اللهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ»<sup>۴</sup>، خُدا اَنْرَا بَرَايِ شِمَا بَشَارَتِ وَ خَبْرِ شَادِي بَخْشِ قَرَارِ دَاد. «وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرَاهِيْمَ بِالْبُشْرَى»<sup>۵</sup>، «قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ»<sup>۶</sup>، كَلْمَهِي بَشْرِي دَر اَيْنِ اَيَاتِ وَ نِظَائِرِ اَن بِمَعْنَى خَبْرِ مَسْرَتِ بَخْشِ اسْتِ.

بَشَارَتِ دَر خَبْرِ مَسْرَتِ بَخْشِ وَ اَنْدُوْه بَخْشِ هَر دُو بَكَارِ رَفْتِه اسْت؛ مَانَنْد: «بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۷</sup>، وَ مَانَنْد: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۸</sup>. طَبْرَسِي دَر ذِيْلِ آيَهِي

۱ المفردات، ص: ۷۹۷

۲ التحقيق، ج ۱، ص: ۲۷۸

۳ لسان العرب، ج ۴، ص: ۶۱

۴ آل عمران: ۱۲۶

۵ هود: ۶۹

۶ يوسف: ۱۹

۷ بقره: ۲۵

۸ نساء: ۱۳۸

اخیر فرموده: اصل بشارت خبر مسرت بخشی است که بوسیله‌ی آن، شادی در پوست صورت احساس می‌گردد، و در خبر اندوه بخش نیز بکار میرود عرب گوید: پاداش و تحیت تو، کتک است. راغب آنرا یکنوع استعاره میدانند. از کلام طبرسی نیز بدست می‌آید که این یکنوع تحکم است یعنی مژده و پاداش ناداری مگر عذاب<sup>۱</sup>.

۵. البشری و البشارة إخبار بما یسر، و إنما سمیت بشارة لأنها تتبین فی بشرة من بشر بها. و قد تستعمل البشارة فی الشر کقوله تعالی: «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۲</sup>.

### و اما بشارت و تبشیر در اصطلاح قرآن مجید به دو صورت به کار رفته است :

۱. به معنای بشارت و مژده چنان که می‌فرماید: «فَبَشِّرْ نَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ»<sup>۳</sup>؛ آنگاه او را به فرزندی بردبار مژده دادیم. «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا»<sup>۴</sup>؛ مومنان را بشارت ده که برای آنان از جانب خداوند بخشش بزرگی (در پیش) است.

۲. به معنای صرف خبر دادن و آگاهانیدن، بدون فحتوای مژده یا بشارت. چنان که می‌فرماید: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۵</sup>؛ منافقان را خبر ده که عذاب دردناکی (در پیش) دارند. همچنین می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۶</sup>؛ و کافران را از عذابی دردناک خبر ده. زیرا واضح است که به منافقان و کافران نمی‌توان مژده داد که عذاب الیم درانتظار آنهاست.

از توجّه به آیاتی از قرآن، معلوم می‌گردد و جای تردید و شبهه ای باقی نمی‌ماند که بشارت یا تبشیر یک معنای دیگر و بلکه اصلی دارد که عبارت است از صرف خبر دادن و آگاهانیدن. و هیچ گونه ارزش گذاری، یا جنبه مثبت نوید بخشی یا مژده دهندگی ندارد.

۱ قاموس، ج ۱، ص: ۱۹۴

۲ مجمع البحرین، ج ۳، ص: ۲۲۱

۳ الصافات : ۱۰۱

۴ الاحزاب : ۴۷

۵ النساء : ۱۳۸

۶ التوبه : ۳

به این معنی سه بار در قرآن کریم به کار رفته است.

این نمونه‌ها عبارتند از:

۱. «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْتَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ»؛ هرگاه به یکی از آنها خبر دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و مملو از خشم می‌گردد!

۲. «يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»<sup>۲</sup>؛ از ناگواری خبری که به او داده اند، از قوم خود پنهان شود (و با خود بیندیشد) آیا او را به خواری نگه دارد، یا زنده به خاک سپارد، هان چه بد است حکم (و قضاوت و برخورد) آنان. پیداست که در این جا طنز و تهکمی درکار نیست، و عرب جاهلی هم از دختر زادن زنش شاد نیست.

۳. «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ»<sup>۳</sup>؛ و چون یکی از ایشان را به (زادن) آنچه برای خداوند رحمان مثال می‌زند (= دختر) خبر دهند، چهره اش (ازخشم و تاسف) سیاه شود، و خشم او را فرا می‌گیرد.

نظر مرحوم طبرسی درباره بشارت: بشارت در خبر مسرت بخش و اندوه بخش هر دو بکار رفته است. مانند: «بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>۴</sup>، و مانند: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۵</sup>.

طبرسی در ذیل آیه‌ی اخیر فرموده: اصل بشارت خبر مسرت بخشی است که بوسیله‌ی آن، شادی در پوست صورت احساس می‌گردد، و در خبر اندوه بخش نیز بکار می‌رود

۱ نحل: ۵۸.

۲ نحل: ۵۹.

۳ زخرف: ۱۷.

۴ بقره: ۲۵.

۵ نساء: ۱۳۸.

عرب گوید: پاداش و تحیت تو، کتک است. راغب آنرا یک نوع استعاره میدانند. از کلام طبرسی نیز بدست می‌آید که این یک نوع تحکم است یعنی مزده و پاداش نداری مگر عذاب.

### مفهوم تربیت :

تربیت از ماده «ربو» مصدر باب تفعیل، به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتی ملاحظه شده است؛ مانند تزکیه که آن نیز به معنای نمو و رشد است. راغب گوید: «رَبَّ» در اصل به معنای تربیت و پرورش است و رَبٌّ به طور مطلق فقط بر خداوند اطلاق می‌گردد که متکفل اصلاح موجودات است. راغب در مورد کلمه تربیت نیز می‌گوید: تربیت پدید آوردن حالت تدریجی در چیزی است تا به حد کمال برسد. می‌گویند: رَبَّهٌ و رَبَّاهٌ و رَبَّیْهٌ: او را تربیت کرد و پرورش داد.<sup>۱</sup>

هر گونه فعالیتی که معلم، والدین یا هر شخصی، به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، براساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهند را تربیت گویند.

بنابراین تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادها بالقوه انسان و حرکت تکاملی او بسوی هدف مطلوب و منطبق بر اصولی معین و برنامه‌ای منظم و سنجیده.

در قران کریم، مشتقات تربیت چند بار به کار رفته است از جمله :

الف) «وَتَسْرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ»<sup>۲</sup> زمین را خشک و بی‌حاصل می‌بینی، پس هنگامی که باران فرو می‌فرستیم تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود.

۱ ترجمه مفردات، ج ۲، ص: ۲۹

۲ الحج، آیه ۵

ب) «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا»<sup>۱</sup> بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند.

### مفهوم مفسده :

کسی که می‌خواهد دیگران را انذار کند باید در ابتدای امر آشنایی کافی به مفاسد فردی و اجتماعی داشته باشد و بداند چه مسائلی از مصادیق مفاسد است تا از آن موارد دیگران را انذار دهد؛ اگر غیر از این باشد ضرری که انسان به دین می‌زند بیشتر از منفعتی است که می‌خواهد برساند. بنابراین لازم است معنای مفسده مورد بررسی قرار گیرد. هنگامی که کاری رو به صلاح و راستی نباشد، و خارج از اعتدال باشد و در راستای آنچه که باید باشد قرار نگیرند از آن به ضد صلاح یعنی فساد یاد می‌شود.

۱. فساد که نقطه مقابل صلاح است، به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود و به گفته راغب در مفردات، الفساد خروج الشيء عن الاعتدال قليلا كان او كثيرا، و يضاده الصلاح، و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة. قال تعالى: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»<sup>۲</sup>.<sup>۳</sup> فساد هر گونه خارج شدن اشیاء از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد، و نقطه مقابل آن صلاح است و این در جان و بدن و اشیایی که از حد اعتدال خارج می‌شوند، تصور می‌شود، بنابراین تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد، و همه افراط و تفریطها در کل مسائل فردی و اجتماعی، مصداق فساد است. در قرآن مجید نیز در بسیاری از موارد فساد و صلاح در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند.

۲. خارج شدن چیزی از اعتدال را فساد گویند، چه کم باشد یا بیشتر، که بر ضد صلاح است. «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»<sup>۴</sup>. اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدا می‌بود آنها از اعتدال و نظم خارج شده و تباه می‌گشتند. بنابراین خلاف مصلحت را

۱ اسراء، آیه ۲۴

۲ الأنبياء : ۲۲

۳ المفردات فی غریب القرآن، ص: ۶۳۶

۴ انبياء: ۲۲



مفسده گویند، منظور از مفسده چیزی است که باعث ضرر و خسران دنیوی یا اخروی می‌گردد. که جمع آن مفاسد است. «و الْمَفْسَدَةُ: خلاف المصلحة»<sup>۱</sup>

۳. المفسدة خلاف المصلحة، و الاستفساد خلاف الاستصلاح. أن الأصل الواحد في المادة: هو ما يقابل الصلاح، و يحصل الفساد بحصول اختلال في نظم الشيء و اعتداله.<sup>۲</sup>

۴. فسد: الفساد؛ تقيض الصلاح. الْمَفْسَدَةُ: خلاف المصلحة.<sup>۳</sup>

از مجموع آیات قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود که فساد به طور کلی، یا فساد فی الارض یک معنی بسیار وسیع دارد که بزرگترین جنایات همچون جنایات فرعون و سایر جباران و کارهای کمتر از آن، حتی گناهان همچون کم‌فروشی و تقلب در معامله را شامل می‌شود، و البته با توجه به مفهوم وسیع فساد که هر گونه خروج از حد اعتدال را شامل می‌شود، این وسعت کاملاً قابل درک است.

تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد، و همه افراط و تفریطها در کل مسائل فردی و اجتماعی، مصداق فساد است در قرآن مجید نیز در بسیاری از موارد فساد صلاح در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. با توجه به این که مجازات‌ها باید با میزان جرم، مطابقت داشته باشد روشن می‌شود که هر گروهی از این مفسدان باید یک نوع مجازات شوند و مجازات همه یک نواخت نیست. برای ریشه کن کردن مفاسد، در هر مورد باید به وسیله‌ای متمسک شد، گاهی از طریق انذار، گاهی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، و یا نصیحت و اندرز و تذکرات، کافی است، ولی گاهی هم زمانی فرا می‌رسد که باید به آخرین درجه شدت عمل یعنی جنگ متوسل شد. بر همین اساس یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران، پایان دادن به هر گونه فساد در زمین (به معنی وسیعش) بوده است؛ که برای رسیدن به این هدف از انذار به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی استفاده می‌کردند.

۱ قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۱۷۴

۲ التحقيق، ج ۹، ص: ۸۵

۳ لسان العرب، ج ۳، ص: ۳۳۵

## ضرورت و اهمیت انذار :

برای پی بردن به ضرورت و اهمیت انذار ابتدا باید نقش و جایگاه انذار از جهت تأثیراتی که می‌تواند در پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی داشته باشد، و سپس ضرورت انذار برای تثبیت ارزش‌ها و هدایت انسان مورد بررسی قرار بگیرد.

### ۱. بررسی نقش و جایگاه انذار :

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دینی است که از جانب خداوند متعال دارای بهترین و کامل ترین برنامه برای سعادت اخروی و دنیوی انسان است. اسلام علاوه بر برنامه‌ها و دستورهای فردی قوانین و احکامی دارد که به بعد اجتماعی آن مربوط می‌شود و بیانگر آن است که دین اسلام تنها برای خود سازی فردی نیست بلکه صلاح و اصلاح جامعه را هم در نظر دارد. مسائلی مانند رهبری و امامت، ولایت و براثت، اجرای حدود، قصاص و احکامی چون حج، جهاد، انذار و تبشیر، امر به معروف نهی از منکر دلیل بعد اجتماعی اسلام است.

در این میان انسان با توجه به خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد، یعنی هم تمایل به خوبی‌ها و هم تمایل به بدی‌ها در او وجود دارد، اگر انسان بخواهد به حال خود رها شود و هیچ عامل بازدارنده‌ای در پیش روی او نباشد طغیان خواهد نمود و آسایش و راحتی را هم از خود و هم از دیگران سلب خواهد کرد. مگر نه اینکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: به یقین انسان اگر خود را بی نیاز بیند طغیان می‌کند.<sup>۱</sup>

انسان برای به تعادل درآوردن امیال نفسانی خود که موجب تجاوز به حقوق دیگران نشود نیاز به انذار و تبشیر خواهد داشت؛ البته انذار و تبشیری که با پشتوانه‌ی قیامت و عدالت الهی باشد.

هنگامی متوجه ضرورت انذار خواهیم شد که آثار و برکات انذار را بدانیم. به عنوان

مثال تأثیر انذار در استواری پایه‌های دین، تأمین امنیت فردی و اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی، تأثیر آن در پیشگیری از جرم و مفاسد فردی و اجتماعی و غیره ... .

تبشیر و انذار به عنوان دو رکن اساسی در تبلیغ و رسالت انبیاء الهی بوه است؛ و همواره ایجاد امید به پاداش الهی و بیم دادن از عذاب الهی، مانند دو بال برای پرواز انسان به سوی کمال و سعادت حقیقی تأثیر گذار بوده است.

امروز که در سایه حکومت دین و ولایت فقیه، زمینه اجرای این تکلیف الهی برای مسئولان فرهنگی و مبلغان دینی بیش از گذشته فراهم است، شرایط مناسب تری هست تا فرهنگ عمومی با مسئله انذار و آثار و برکات آن آشنا شود و در این زمینه اقدام عملی فراهم تر گردد.

در این میان وظیفه حوزه‌های علمیه از همه سنگین تر است چرا که مسئولیت انذار و تبشیر که از وظایف انبیاء الهی بوده است بیشتر از هر فرد دیگری متوجه علماء دینی است. و باید از خود بپرسیم که بعد از انقلاب اسلامی چه مقدار توانسته ایم نقش و جایگاه انذار و تبشیر را شناخته و از آن در ارتقای فرهنگ اسلامی بهره مند شده ایم. به نظر میرسد ما توانسته ایم اطلاعات دینی مردم را افزایش بدهیم و در این زمینه حوزه‌های علمیه و علماء همیشه پاسخگو بوده‌اند و علوم و معارف مردم ارتقای خوبی یافته است، اما مردم را آنگونه که شایسته بوده نتوانسته ایم انذار نماییم و بیشتر به بیان معارف پیرامون عقاید، اخلاق و احکام پرداخته شده است. اگر مردم درست انذار شوند و از نتیجه گناهان و اعمال ناپسند خود اطلاع پیدا کنند که چه عاقبتی در انتظار آنان است مطمئناً از بسیاری از گناهان که در عرصه فردی و اجتماعی شاهد آن هستیم و امنیت اخلاقی جامعه را از بین برده است پرهیز خواهند نمود.

در انذار و بیم دادن ما شاهد تعارف و تشریفات نیستیم بلکه با روی جدی دین مواجه می‌شویم، از همین روست که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) رسالت خویش را مأمور شد با انذار نزدیکانش آغاز نماید و در این امر هم موفق بود. متأسفانه آنچه که ما شاهد آن هستیم حاکی از این است که بسیاری از مردم امر دین را

جدی نگرفته‌اند و یا گویا خود را از عذاب الهی در امان پنداشته‌اند، کسانی که می‌گویند از ظاهر افراد نمی‌شود ایمان آنها را قضاوت کرد باید متوجه این مسأله باشند که اتفاقاً در بسیاری از موارد ظاهر افراد حکایت از درون آنها دارد و از کوزه همان تراود که در اوست!

انذار و تبشیر دو اصل مهم در تربیت هر فرد و جامعه ای است؛ و «بشارت و انذار» و یا همان تشویق و تهدید، می‌تواند سهم بزرگی در ایجاد انگیزه‌های تربیتی داشته باشد. کسانی که با ابعاد مختلف روحی و روانی و تمایلات نفسانی انسان و بهره‌مندی او از قدرت و اختیار آشنا باشند حتماً تصدیق خواهند نمود که ما انسان‌ها اگر در برابر انجام کار نیک تشویق شویم، در برابر کار بد نیز کیفر ببینیم، زمینه و آمادگی بیشتری برای انجام کار نیک و ترک کار بد در ما ایجاد خواهد شد. ضرورت انذار و بیم دادن در این است که تشویق به تنهایی برای رسیدن به تکامل اخلاقی فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت مطمئن است که انجام گناه برای او خطر و ضرری نخواهد داشت، و در این صورت ترک گناه هیچ ضمانت اجرایی نخواهد داشت. البته نباید نادیده گرفت که انذار هم به تنهایی برای تربیت اخلاقی افراد مؤثر نیست، چون ممکن است روحیه یأس و ناامیدی را در انسان به وجود آورد.

لازم به ذکر است که هرچند شناخت اهمیت ضرورت انذار بسیار مهمتر از تبشیر است، اما نباید از تشویق شدن و انگیزه پیدا کردن افراد جامعه برای عمل به احکام و تکالیف الهی غفلت کرد. زیرا همانطور که اشاره شد «انذار و تبشیر» مانند دو بال برای پرواز می‌باشند و هر دو بال برای پرواز و رسیدن به سعادت لازم است. در اینجا مناسب است حدیثی را از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مورد تأثیر سوء گناه و زیان‌های بی تفاوتی در مقابل اهل گناه و فاسد کنندگان اخلاق و عفت جامعه است بیاوریم:

«یک فرد گنهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته بپردازد و هر گاه به او اعتراض کنند در جواب گوید: من در سهم خود تصرف

می‌کنم! طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند».<sup>۱</sup>

با توجه به روایت فوق انسان موجودی است اجتماعی که سرنوشتش با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ارتباط دارد. در بینش اسلامی یک فرد مسلمان باید پا به پای اصلاح نفس خود در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی‌توجهی نسبت به اعمال و رفتار و سرنوشت دیگران در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است و اگر فساد و گناه و فحشا و منکر در جامعه شیوع پیدا کند، آثار نامطلوب آن دامنگیر همه افراد، حتی اهل ایمان نیز خواهد شد.

اسلام از یک فرد مسلمان می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بداند و با مشاهده گناه و فساد ساکت نماند و همواره دیگران را به خوبی تشویق کند و از بدی نهی کرده و بیم دهد.

«فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ».<sup>۲</sup>

چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند و گناهکار بودند (و نابود شدند)!

بنابراین اگر ضرورت و جایگاه مهم انذار شناخته نشود و در جامعه خبری از انذار نباشد، باید منتظر پیامدهای ناگوار آن باشیم. به گونه‌ای که قرآن کریم سبب هلاکت برخی از امت‌های گذشته را بی‌توجهی به انذار انبیاء الهی می‌داند.

۱ تفسیر نمونه؛ ج ۳؛ ص ۳۸

۲ سوره هود: ۱۱۶

## ۲. انذار مهمترین رسالت پیامبران الهی :

پیامبران (علیهم السلام) طی مأموریت الهی خود، از ابزارهای گوناگونی برای برانگیختن مردم به سوی بعضی از کارها و اجتناب دادن آنان از برخی دیگر، بهره برده اند. شماری از آیات قرآن انذار و تبشیر را به عنوان دو عامل عمده برای ارشاد پیامبران (علیهم السلام) برشمرده اند. این دو شیوه انگیزشی چنان از اهمیت برخوردار است که گاهی به عنوان ویژگی های جایگزین برای اصل مقام نبوت تلقی می شود. قرآن کریم در مواردی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را به عنوان بیم دهنده آشکار «نذیرٌ مبینٌ» ذکر کرده است.<sup>۱</sup> با این همه نکته مهم این است که قرآن کریم هرگز عنوان «بشیر» یا «مبشّر» را به عنوان یک جایگزین مستقل برای مقام نبوی در نظر نگرفته است. تنها یک آیه است که در آن، واژه «مبشّر» مستقلاً به کار رفته است. در این حالت، حضرت عیسی عليه السلام به بنی اسرائیل خبر می دهد که پیامبری پس از وی می آید و نام او احمد (صلی الله علیه و آله) است.<sup>۲</sup> این نکته شایان ذکر است که آنچه در متن فوق آمده، محدود به واژه های «بشیر» و «مبشّر» است، هرچند دیگر اشکال مشتق به طور مستقل استفاده شده اند. نکته این جاست که (ب - ش - ر) در قرآن به جای (ن - ذ - ر) به کار رفته است.<sup>۳</sup> همان گونه که جرجانی بیان می کند، بشارت، هم برای اخبار خوب و هم اخبار بد مورد استفاده است، اما رایج ترین کاربرد آن در مورد اخبار خوب است.

قرآن کریم در وصف پیامبران (علیهم السلام) می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»<sup>۴</sup> خداوند پیامبران را نوید دهنده و بیم دهنده برانگیخت و نیز می فرماید: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»<sup>۵</sup>، ما انبیا را نفرستادیم مگر در حالی که نوید دهنده و بیم دهنده بودند. آری، انبیا و رسولان الهی که مربیان حقیقی و معلمان دلسوز بشر بودند

۱ سوره اعراف: ۱۸۴

۲ سوره الصف: ۶

۳ نساء: ۱۳۸؛ توبه: ۳.

۴ سوره البقره: آیه ۲۱۳

۵ الانعام: ۴۸

از این دو روش برای تربیت اخلاقی و روحی مردم استفاده کرده‌اند.

در برخی از آیات هدف بعثت و مسئولیت پیامبران به انذار منحصر شده و در برخی دیگر تنها به ذکر انذار اکتفا شده است: «إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ»<sup>۱</sup>، «إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»<sup>۲</sup> «إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ»<sup>۳</sup>، «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ»<sup>۴</sup>، «قَدْ خَلَتْ لِنُذُرٍ»<sup>۵</sup> و ... بدون تردید حصر یاد شده اضافی است و با شأن بشارت پیامبران تنافی ندارد، زیرا مراد از حصر در آیات مزبور، ذکر انذار نسبت به هدایت یافتن است؛ نه بشارت دادن<sup>۶</sup> و در حقیقت پیام آیات یاد شده این است که پیامبران فقط انذار می‌کنند؛ ولی هدایت یافتن یا گمراه شدن مردم به عوامل دیگری وابسته است که در جای خود بیان شده است. گفتنی است که ذکر انذار و عدم ذکر بشارت برای آن است که مقام، مقام انذار است، یا به این سبب است که دین امری فطری است، جز آنکه با حجاب‌های شرک و معصیت پوشانده می‌شود و موجبات غلبه شقاوت و نزول سخط الهی فراهم می‌آید، از این رو نزدیک‌ترین راه مناسب با حکمت و حزم آن است که ابتدا مشرکان و معصیت کاران با انذار بیدار و به سوی حق هدایت شوند.<sup>۷</sup> برخی از مفسران علت این انحصار را آن دانسته‌اند که در بعثت انذار، مقصود مهم‌تر محسوب می‌گردد، و انگهی در آیات دیگری مقرون به بشارت ذکر شده است<sup>۸</sup>: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»<sup>۹</sup>.

بنابراین همه پیامبران (علیهم السلام) مأموریت خود را به عنوان بیم دهنده و نوید دهنده

۱ هود، ۱۲

۲ حج، ۴۹ و نیز عنکبوت، ۵۰؛ شعراء، ۱۱۵

۳ سبأ، ۳۴

۴ صافات، ۷۲

۵ احقاف، ۲۱

۶ المیزان، ج ۷، ص ۳۹

۷ المیزان، ج ۷، ص ۳۹

۸ منهج الصادقین، ج ۷، ص ۴۴۲ - ۴۴۳

۹ (فاطر، ۲۴ و نیز انعام، ۴۸؛ کهف، ۵۶)

آغاز کرده اند.<sup>۱</sup> آن‌ها درباره عواقب رفتارها به مردم هشدار داده و مردم را به انجام اعمال نیکی ترغیب کرده‌اند که برایشان پاداش به همراه دارد. از منظر ساختار روان شناختی نیز انسان به دنبال کسب منفعت و دفع ضرر از خویشتن است. یعنی انسان دوست دارد که سود ببرد و از ضرر اجتناب ورزد. بشارت و انذار پیامبران (علیهم السّلام) موجب می‌شود که مردم از پاداش و کیفر مترتب بر رفتارهای خودآگاه گردند.

### ۳. ضرورت انذار برای پیشگیری از هلاکت و عذاب الهی :

قرآن کریم در آیات فراوانی به مجاهده پیامبران الهی در راه تبشیر و بخصوص انذار گواهی می‌دهد. از نظر قرآن کریم یکی از مهم ترین رسالت‌های پیامبران الهی انذار و تبشیر است؛ و حتی سبب هلاکت برخی از امت‌های گذشته را بی توجهی به انذار انبیاء الهی می‌داند.

«فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ \* وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ»<sup>۲</sup>.

چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند و گناهکار بودند (و نابود شدند)! \* و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند!

برای تکمیل بحثهای گذشته در این دو آیه یک اصل اساسی اجتماعی که ضامن نجات جامعه‌ها از تباهی است مطرح شده است، و آن اینکه در هر جامعه‌ای تا زمانی که گروهی از اندیشمندان متعهد و مسئول وجود دارد که در برابر مفسد ساکت نمی‌نشینند، و به

۱ بقره: ۲۱۳

۲ سوره هود: ۱۱۷، ۱۱۶